

رمان «آناکارنینا» را باید اثری دانست که طلیعه‌های مدرنیته را در آن می‌توان به خوبی مشاهده کرد

تولستوی بدون توقف



ترجمه سروش حبیبی
از این رمان روسی
حق مطلب را ادا کرده
و خواننده را با تجربه
خوانش متنی پاکیزه
و روان مواجه می‌کند
و در موقعیت دقیق
اتفاقات قرار می‌دهد

آناکارنینا را باید یکی از آثار مهم انتهای قرن نوزدهم دانست که در آن مساله اخلاق و مواجهه آن با پدیده‌های مدرنیته و اخلاق مدرن را به خوبی می‌توان تماشا کرد؛ مساله‌ای که اندیشمندان بسیاری حول آن سخن گفته‌اند و نشان می‌دهد تولستوی هم از جریان‌های روز فکری خود عقب نبوده، بلکه همپا و حتی جلوتر از آنها به موضوعات فکر می‌کرده است.

در مجموع رمان آناکارنینا را هم باید به عنوان یک تفریح جذاب دنبال کرد و هم برای این که ببینیم که جهان در ابتدای قرن بیستم شاهد چه تغییراتی و در چه زمینه‌هایی بوده است؛ اتفاقی که تولستوی در رمانش به دقت آن را روایت کرده و فقط کافی است خواننده دقیق و با حوصله‌ای پیدا شود تا از این نکات و ریزبینی‌های لئو تولستوی استفاده کند.

ویژگی‌هایی مانند جوانی، خوش‌سیمایی و نیک‌سرشتی در کنار محرومیت بهره می‌برد و این ویژگی‌ها سبب شده شخصیتش متمایز از زن‌های موجود در داستان‌های جهان باشد. این ویژگی‌ها که در بافت داستان خودش رانشان می‌دهد سبب می‌شود نتوانید او را از ذهن‌تان کنار بگذارید و با او هم‌داستان نشوید. البته تولستوی طوری او را خلق نکرده که با رفتارهایش همراهی کنید، بلکه گاهی به او انتقاد می‌کنید و رفتارهایش را با همسرش و اطرافیان مردود می‌دانید. اما با این حال اینها دلیل نمی‌شود که قصه این زن و ماجراجویی‌هایش را دوست نداشته باشید. او در کنار ویژگی‌های زنانه سرشت اخلاقی کامل و استواری دارد و تولستوی که در حین نوشتن آناکارنینا درگیر مباحث فلسفی، اخلاقی و به اعتقاد برخی ایدئولوژیک شده بود در این داستان کشمکش‌های خود را نیز در داستانش قرار می‌دهد که البته شاید از نظر خواننده امروزی جای طرح کردن این موضوعات در داستان نباشد، ولی نمی‌توان انکار کرد بسیاری از متفکران و حتی نویسندگان هابی که ادعای متفکر بودن نداشتند هم افکار و نظرات خود را در داستان‌شان بازتاب می‌دهند و اگر نباشد اساساً یک پای داستان لنگ است. شخصیت «لویین» در این رمان به نظر می‌رسد نماد تولستوی باشد و تولستوی خودش را با این شخصیت در داستان نشان خواننده می‌دهد. شخصیتی که درگیری‌های بسیاری دارد و در حالی که شدیداً به سنت‌ها پایبند است، اما از پدیده‌های عالم مدرن بی‌تاثیر نیست و تلاش می‌کند آنها را در خود هضم کرده و برای آنها راه چاره‌ای پیدا کند.

بعید است خواننده‌ای پیدا شود که با هیچ‌کدام از شخصیت‌های موجود در کتاب هم‌داستان نشود. به عبارتی تولستوی طوری افراد بانگاه‌ها و موقعیت‌های مختلف را در داستانش آورده که خواننده حتماً یک گوشه از داستان‌های ایستد و از آنجا به اتفاقات نگاه می‌کند. این هنری است که تولستوی را تبدیل به نویسنده مهم ادبیات جهان کرده است. ولادیمیر نابوکوف درباره او نوشته: «وقتی آدم دارد تورگینیف می‌خواند، می‌داند دارد تورگینیف می‌خواند. وقتی آدم تولستوی می‌خواند، می‌خواند چون نمی‌تواند آن را زمین بگذارد» و این همان اتفاقی است که در این داستان نیز خواننده با آن روبه‌رو خواهد شد و راه فراری برایش وجود ندارد.

تولستوی در این داستان در توصیف‌ها و جزئیات ظرافت بسیاری به خرج داده و خواننده اگر خود را به دست داستان بسپارد و رها کند؛ می‌تواند خود را در صحنه صحنه رمان از مسکو و سن پترزبورگ گرفته تا روستایی که لوین در آن اقامت دارد، ببیند. تولستوی در نثرش از هیچ چیز کوتاهی نکرده و هرچیزی که به غنای داستانش کمک کند را به خدمت گرفته تا خواننده خود را با نمونه درخشان یک اثر داستانی روبه‌رو کند.

خواندن شاهکارهای ادبیات جهان و حتی اگر این‌طور از آنها یاد نکنیم و بگوییم خواندن آثار کلاسیک و نویسندگانی که به بزرگی از آنها یاد می‌کنند علاوه بر این که یکی از تفریح‌های جذاب برای سرگ کشیدن مثلاً به ۱۵۰ سال یا قبل تر است، از پایه‌های خواندن و مطالعه جدی نیز محسوب می‌شود و اگر کسی می‌خواهد با آثار مهم آشنا شود یا از نویسندگان مهم بخواند راهی ندارد مگر این که از آثار نویسندگان اصطلاحاً کلاسیک جهان ادبیات بخواند. شاید مشهورترین نویسندگان این گروه نیز در کشور خرس‌ها یا همان روسیه پیدا شوند و بهتر است بگوییم تجمع نویسندگان کلاسیک در روسیه بیشتر از سایر نقاط جهان است. به شکلی که وقتی دقیق می‌شویم انگار رمان یک سنت روسی است در حالی که رمان اساساً سنتی اروپایی و متعلق به غرب آن است، ولی روسیه در آن سرآمد شده و بزرگان ادبیات جهان در آب و هوای این کشور نفس کشیده‌اند.

تولستوی را هم خوانندگان و هم کارشناسان یکی از قله‌های داستان روسیه و جهان می‌دانند که آثار بسیاری از او در تاریخ ادبیات جاودانه شده و بسیاری با گذشت بیش از ۱۰۰ سال از مرگش، همچنان آثارش را مطالعه می‌کنند و به عنوان یکی از نویسندگان اثرگذار بر نویسندگان بعد از خود از آن یاد می‌کنند. نابوکوف، درباره تولستوی می‌گوید: «تولستوی بزرگ‌ترین داستان‌نویس روسی است. اگر پیشگامان او یعنی پوشکین و لرمانتوف را کنار بگذاریم، می‌شود بزرگ‌ترین هنرمندان روسی را در عرصه نثر به این ترتیب نام برد: اول، تولستوی؛ دوم، گوگول؛ سوم، چخوف؛ چهارم، تورگینیف. این کم و بیش مثل نمره دادن به ورقه دانشجویان است و شک ندارم داستایفسکی و سالتیکف دم در اقامت ایستاده‌اند تا بر سر نمره‌های کم‌شان چانه بزنند.»

نویسنده‌ای که اگر کسی «مرگ ایوان ایلیچ» او را نخوانده یا حتی اسمش را هم نشنیده باشد حتماً نام رمان بزرگ او یعنی «جنگ و صلح» را شنیده و شاید حتی سودای خواندن این کار بزرگ ادبیات را نیز در سر داشته باشد. اثری که با بیش از ۵۰۰ شخصیت یکی از آثار مهم ادبیات داستانی جهان است که به زبان‌های بسیاری ترجمه و خوانده شده است.

آناکارنینا در کنار جنگ و صلح اثر مهم دیگری از تولستوی است که درباره آن بسیار سخن گفته شده است. اثری که جلوه‌های زندگی مدرن به خوبی مشهود است و نویسنده تاثیر مدرنیته بر اخلاق روسی را به خوبی بازنمایی کرده است. اثری که قصه‌های بسیاری در آن خواننده را سرگرم می‌کند و شخصیت‌های متعدد گاهی سر رشته

اتفاقات را از دست او خارج می‌کند؛ شخصیت‌هایی که تشابه نام‌هایشان سبب می‌شود خواننده گاهی از روال داستان خارج شود و اندکی دنبال نام‌ها برود و هرکدام را گوشه ذهنش جا بدهد.

آناکارنینا قصه زنی است که بسیاری او را یکی از جذاب‌ترین قهرمانان زن داستان‌های جهان می‌دانند، زنی که از

فروش باغ پسته در شهر طالایی سبز دامغان
۶ هکتار باغ پسته
مشجر با ۱۵۰۰ درخت
۳۵ ساله و ۲۴۰۰ درخت پیوند
احمد آقایی خورده با سند
۶ دانگ تک برگ و چاه آب با پروانه
۹ لیتر به فروش می‌رسد.
۰۹۹۱۳۳۳۲۱۱۰۳ - ۰۹۹۱۳۳۳۹۵۵۱۰

۵۰ هکتار زمین و یک حلقه چاه شخصی با پروانه ۱۲ لیتر در ثانیه در شهرستان دامغان به فروش می‌رسد.
۰۹۹۱۳۳۳۲۱۱۰۳ - ۰۹۹۱۳۳۳۹۵۵۱۰

برگ کمپانی و سند قطعی سواری پیکان ۱۶۰۰، مدل ۱۳۷۹، رنگ سفید روغنی، شماره موتور 11127912473، شماره شاسی 79409816 و شماره پلاک ۴۶۲ ص ۴۸ - ایران ۵۶ به نام انوش درویشی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب حسین جمالی اصطلاحی، فرزند حسن، به شماره شناسنامه ۹۸۲، صادره از رشت، در مقطع کارشناسی، رشته تحصیلی عمران - عمران صادره از واحد دانشگاهی آزاد چالوس به شماره مدرک ۸۰۱۵۸۲۶۲۷۲۹ در تاریخ ۸۳/۰۲/۱۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. از پاینده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس به نشانی: چالوس خیابان ۱۷ شهرویر، روبه‌روی مسجد امام حسین(ع) ارسال نماید.

بنچاق و قولنامه ملک مسکونی به مساحت ۵۰ متر به نشانی: کرج، خیابان بهشتی، خیابان المهدی، هشت متری دوم، کوچه شهید بختیاری، پست سوم، پلاک ۲۲ به نام محسن گرشاسبی فرزند یحیی شماره شناسنامه ۶۳۲ صادره از کرج و سید جمال صالح پرست فرزند سیدحسن شماره شناسنامه ۴۲۵۹ صادره از تهران و صغیه خاتم مفارزاده شماره شناسنامه ۱۸۵ فرزند رمضانعلی صادره از همدان و مهشیدسادات صالح پرست فرزند سید جمال‌الدین به شماره ملی ۰۲۱۱۶۱۵۲۸۷ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ کمپانی، برگ سبز، بیمه‌نامه، کارت موتور، پلاک موتورسیکلت، مدل ۱۳۹۰، رنگ آبی، شماره موتور CG125NBJA3102620، شماره تنه NB125A90863667 و شماره شاسی IRAGQ90138A086367 به نام فرزاد عطائی، مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.